



فلم ملائكة ایشود

درازه و جوهر فلسفی «ماهیت چیز»

لکلک روش لکلک می جهت محدود نمایند بسخشن
سی شود اتلر کلاد فیر بر تهرا چه در قلسه قارابی
و چدم غلست خطلان بد استدلال های انتشاری
فرو نگاه است آنها اخال می کنند که تخلل فلسفه به
تخلل هایی صاف و ساده شده باز است
از مرآت وصف فالی از فالغز احتج عربی سکان
و چنگز استادی های پژوهشی پویم بکویم که هدف
آنکه این لست که همانک و پیور های مارابر هم زند
آنها را این پایه ای محکم توڑ و آنها هم با کندلابین
خدن منفات است که شاهان یک شیوه برای چدن هنی
چه در دفتر حکایت بین منظور تکنیک های
منظری سیل متوجه هر کنار استدلال استراتی
لولری های گیرنده را این جانی خواهم تهابزیکی و آنها
سرمک کر کنم "ازمن تفکر" در آزمون تفکر خوشنده
سوشون می بینم تابه لمکانی فکر کند که بیش از
آن مهارت توجه تکریه بود و تکنیکی که غالباً از عادات
بلوار های روزمره کوبه سیل فاصله دارد هنکامی که
آن لکلک به عنوان یک اسلان واقعی مطرح می شود
خواهد بدل این پرسش و پوهر خویلد شد که چه
میزگزی به پیور های عالی گوشست به لمکانی که در
زمینه این تفکر بیش رویش گذاشت تقدیر جعل

پیشگیری به یکی از آن‌زمون‌های فکری نکالی
ست، زمانی که این مثال را کواین مطرح می‌کند تا
تو خود را کلش را نسبت به شاسکی و دن چورجیم
نمایند که اندیشه‌های خود را می‌توانند مفهومی انتصاف کنیم
که در آن یک برقی شناس با این‌لایه ناشناخته مواجه
می‌شود که این مثال را کواین مطرح آیند فرضی است مثال
تجزیه‌ای است که می‌بود.
وجود همین عصر در سیاست‌الله‌سی پادشاهی
می‌شود تا پایه‌گیرید که فیلم هم می‌تواند به این کلی
متغیرات اندیشه‌های راهنمایی را در حس کند و همین دلیل
می‌داند که این شیوه می‌تواند یقین تحلیق کنیم که فیلم
همیزی خود را در این شکل پوشاند.
برای همراه کردن از این اس‌مثابله به یکی از
مروج‌ترین آن‌زمون‌های فکری در تاریخ فلسفه غرب
کلاسیک می‌داند. ساختار افزاین ایده را در این مقاله
تلی دیگر است پس از آن اشتباه خواهد داد که فیلم
مکمل از این‌زمون فکری را به تماش می‌گذرد و به نظر
من بدهیم. بنابراین لازم است که فیلم را نوعی فلسفه‌گرایی
نمایند که این‌لایه ناشناخته باشد.

خواسته، هنوز می‌گشود که رومانیه به امثال آن اندیشه‌نشینه
که از اسمازه‌های نسلی که در شماره‌بایل مانده باشند،
برخواهی می‌مندند بد همین دلیل و قتنی کسی تبلیغ
را ایمن خواهد ماند متفاوت است و اینکی است که همان شماره‌ها
می‌توانند این دو معنی کاملاً بگشلن شوند.

سی خواسته بپرسم آیا این اندیشه‌العلی می‌تواند
موزارا به تماش گذاشتند موقوف شوند که هنر وجود
منتهی شده باشد؟ آیا تصورش که هر متون قلستی وجود
دارند تفاسیر دارند آنها موجب حفظ معنی آنها هست
می‌شوند؟ یا برای این که مانند از عمل زیاده شکری بی
نای این مخصوص فواید نداشند معمولی نباشند

و وجود درد که از این اندیشه متنی باشند یک و متعارف
کنند پاشیده بدان گفته که احتمالاً اخراجی هم تفرض
کنند که اندیشه‌نمکوبه بسادگی روش هایی
استند که به تصریف انتشاری شخصی می‌شوند.

این نظراتی های نگرانی عوسمی تری نشانه می‌شوند.
که این اندیشه قلاشفه شسته به اسلام خوب اجر اکثراً
آن اندیشه بروزی پرده درآورده شاید قلاشفه آسوده خاطر
که اندیشه این که هر قریبی، اندیشه‌های فلسفی همانند
می‌شوند اندیشه این که هر قریبی، اندیشه‌های فلسفی همانند
می‌شوند جسمی‌جان تماش داده می‌گشند و این اندیشه
باید به اندیشه که با اسلام قلمروی این اندیشه خواهد شد

دابل کم گویی خود را توانی فلسفی علم این
همه از فلسفه است که بر اساس آن استدلال روش
آن هر گونه فلسفی است مانند پیشون (کسدن
نمکابن) یا تلویزیون (خوب و کبیر نهاده) رول به نام
الله، اسلام اسلام استدال، می گویند استدال یعنی فردی
چه ماهی پشتسره همه که باشد یک عبارت رو سازم و
دانستی شون هم بر این معلم نشده استدال
نه غنیوان روشی لسلی نلاش می کند تا در اسلام
بر اولاد منطق از مجموعه ای از عبارات معلوم گزراشی
نمطلقی بینون گشته مثال معلوم این مطلب کتاب
آذوق اسپنیور آشت ماضی کتاب با اشاره
صمول موضعه و ایالی های منطقی مثلین یک
خطب هنده شکل می گزد و مطالب اصلی فلسفه
پیغما بر آنها بینون این ایده دیگر کسی نمی خواهد
آن قدر استدال اسپنیور را قبول کند ناما هنوز هم
سیزی مستند است که اس استدال منطقی تهار و شش
فرار فلسفی است
بر این منظمه اسان می گویند چنین صوری از

محل فیلم و کلیشل سه نخست این که این گزینه
چیزی را که نیاز به آن داشتیم را می‌توانیم
را باز بروش می‌گیریم. پس نهاده این کلیشل را به امام
ید فیلم نهاده می‌جذب که همان پنهان‌صورت کشیدن
کلیشل تلقی به مرتبه عدیف کلیشل ایام است
به علاوه این گزینه تلقی می‌باشد به قیلوف ایام
تسبیس نموده کار ایان نهاده که خوب نمایند راه جانی
بر سر داشتار گ کنده که لبلم همان اندیشه‌های راه
تصویری می‌گذند که لولعی است.
اما کلیشلهای این توکل روی پرده نشانی عادی طرح
سوال بین شود و برگزینی متغیر فیلم را ایان جهت
بررسی این کند که به فیلم توانیان ظسلنی کردن
مسئل را می‌داند یعنی برای طرح این موقعیت مسائل
مطرح می‌شود که همه به فیلم و همه به کلیشل و هم
به چیزی بین فرضی و وجودی این درون بروطمی می‌شود.
می‌خواهیم بدانم که اگر اساس الکلنی باید مشاهده در
فلک نه چه چیزی نه که اجزاء می‌دهد فلکه
بروری پرده به شناسی در آسندا و فیلم چه چیزی
نهاده است که اجزاء می‌داند موقعیت شناختی و
مکاتب بروری پرده به تصویر گشته شود؟
لین مسائل چندین مشترک ترینها اینجا در دید
آنرا بدوشی دیگر که تکرار نماینده هستند در پروط

گشتم یکی از این موالات به سامانه اس-سلمز و تابلو
پلاس گردید فاضلخانه و نظر پرورگاران این دل نگران
از این مسائل هستند که آیا استعاره تأثیر پذیر است؟ با
این چنانچه برای تحقیق متدی از آن روش استفاده نموده
روزنوی در دو عرضی چشیده خود تأثیرگذار نهاده
و نتکسکسیور می گویند «ولیت می خواهید است»
من نویسنده این استخاره را از اول گشته و بین وسیله
معنای از این ابتکار مبتداً من قوایم بگوییم که رومتو
متاپلای میان زوایم تو خود شو خودید بر قرار گردید
بجانان گفته که خود شد مرکز مقاومت شمسی است
و زیارت هم بخوراندی روش موتوری ساخته اند که
خود شد جد باید بخش و زدنگی ل شه ولیت خود را
روزنویون چنین افسوس کار و افت کوکش می کنند
ناخال شهره روز و سرما از اول گشته موجه می شوند که
نایاری از این ابتکار گویا گوشی بالعمل مبتلای است بر این
فقط همان استعاره می باید به همه و مانندی بین نو
موجودی که از آنها سخن به مان آمده بینندش بمویه
آنچه بجزیری خود خود است چشم به کشک تابلوی من ایکم
این گل را انجام دیم اما ان کل راهه ایه تغلیب

پیووند توجه دائمی قلاسنه را در حوزه مستن
زیبایی شناسی به خود مشغول گندز مرار این
حوزه مسائل دیگری هست که تقدیر و جذبیت
پیشتری تدریجی بازیابی نهادن کتابها و
مقالاتی که فیلم و تئاتر را به مردم نمود
من گندز باید از روابط ممکن میان آن دو حوزه
تولید فکری شناخت پیشی بر دست آورید.
مشخص است که تئو توان فرمی مقاله به
طور کامل درباره همه مباحث این حوزه مخن
گفت. به عین دلیل در این مقاله با تکیه
بر فیلم «ماهی نکس» در پیش از آن موضوع
متوجه شوید که چهاروشی کمپرنس ترین
و ماقول‌ساده‌ترین راهی است که فیلم و تئاتر
وابه هم می‌آمدند؟ این قطعاً این راههای جایی
است که فیلم ادبیات نظریه‌های فلسفی و ابه
تصویری گشند.

به نظر من رسید تقریباً سی سالی روش و سلسله
به دلایلی پیشمرده است که این گزینه به قدر این
بلطفه

پا
تجریه
جهان
گامیو
فرغت
می‌آید
شکر
جهان
بیرون از
آنکه
فکری
لایا
یک
تمامیت
و زنگو
آن جو
به پال
واجنب
دکتران
من توان
این که
قرض
خیالی
شده
کردن
لر
جزءی
لین و
سل
می‌کوش
است
تشهد
است
برو
خورد
که برو
در قلب
شروع
و به
آسما
پتوانند
غیرهم
می‌کند
این فی
پدنش
ماتویک
میکن
دیرگو
کنی س
به کنم
تصویر
آن کار
ملعنه
برلو
جنده
پا نهاد
شروع
مخذق
بلوز
بالون
سمی
ویکر
قریب

دیگه که فکر کرده باشد و این
لست؟! معنای شبدگلی مطرح
می‌گذارد و قیچی از خوب یا بدی، چه
طوری فهمی که تنشیت‌بین خوب
و نیکی و اقتصادی چیست؟! و قیچی مایع
جویانی از دستش بالا می‌رود و
سرپریز بدنیش را فرام گیرد و تن تو
در ژنه همانه
شک پکارده اما
علی زغم این
گرایش ارتقاجاعی،
همچنان فیلمی
فلسفی است

کلیپیوترهای پلطبندی به روی می‌گردند
استعلامه ماتریکس ناشی از این فست که تمام
آنی که مابین شام و غروب نجربه می‌گذرد
لذیثها عمل چیزی هستند که مردم در
۱۹۹۱، یعنی در حین اکران فیلم هم تجربه
ذذن می‌نمایند و پرداخته کلیپیوترهای
که تمام نیاز را سخیر کرده‌اند این وضعیت
شکست‌سان از کلیپیوتر در جنگی و پرالگری
کلیپیوترهای پروژه سان‌ها را اصل طور
می‌گسترند تا همین لحظه می‌زبان
چی می‌جند نیوایپرسام گفتند و کل
تمویل سیمه شود.

آنچه در رویش می‌دانند فرق کل این جلت است
رونق انسان پرای تویید برای تبلیغ می‌شود.
هم مکوجه می‌شویم که بدین انسان بیش از
که معرفی می‌گشته از توزیع تولیدی می‌گردند

که چرا هردو همین کنگره از دست دادند
هر تا سل لول دکترت لوئیز رخستین گلم بسری
تین که بیان مایه واقعیت دنیای بیرون را مستکل مساز
کند این لذتکش را مطروح می کند که شاید در این
خوبی همچو خوبی دنی و قشی خوبی هم پیدا نموده باشد
و انتقام از را که در خوبی ظاهری می شود واقعیت
می پنهان نماید و دکارت از مامی کشیده فکر کنیم که هر
آنچه در زندگی واقعی ماهست شاید تهاهی را باقی
مطابلی نداشت و بدان بر این اثیله و فکر از را که واقعیت
می پنهان نماید تهاهی همی هستند که تخلی می خواهند
ما این را بدهیم
در فلم شاهد صحتهای هستیم که تزویج داشت
من شود و عوامل مزدور کلپپر-تر-لو-لو-زودیون-
می کنند این ماجرا او را به وحشت می نمایند و در
لتهاهم این مزدورها از نافذ تو جسمی را شیبیده به
یک حشره به بدنک تزریق می کنند و این این
حذف و حشمت بر تمام من شود گویان از این کلوب
و را شده و ماهمه می نمایند و بار ای کنیم که این خوب
و حشمتگی دیده است فلم یعنی گویان از این تکنیکی
تکنیکه دارد که این تکنیک چندیلر فیلم به کل
سی و دو سازند کان فیلم می تونند در این فیلم را اطرافی
تر و ب دند که آنجه به نظر تملک اگرین بخشی از
دنبی تصویری فیلم است در حقیقت تجهیزه نهانی
یکی از شخصیت های این دنبی تصویری باشد.

در قین معلوم می شود که نتو فقط خوب شنید
ترینیتی قبل از این که نتو سوار گشت شد و پیش
مورد قنوس بروند مکتل تراو ایر طرف می گند و وقتی
می شوند که ترینیتی قله تزیق شده به نتو را
بین من آورده با چیزی مواجه می شوند که آنچه را
دهد همان بر این فاش می کند دستگیری تراو خوب
نیود بالک و قلعی حقیقی بود که مالا لول همین طرز
لکرم کردیم
با این روال گرجه شیوه هایی که به کار می برد
چنان انتقامی نیستند اما ماتریک من درک مالو
و قلیش راه بازی می گردیدند کان فیلم با مقابله
میان فیلم و ماتریکس، بازی می کنند سایر مأله
و قلیش دنیای دلستگان فیلم به دست مازنده کان
فیلم ساخته و پور خانه همی شود درست به همان
شیوه که تجربه ساختن ماتریکس اوسوی
کسی پیش از نسبتی می شود با این رفتار گشتم
فرمک مآلز تبلیغ میان خوب و بیلاری سست
من شود.

اکنون می توکند، و این سوال را پرگزیرید که ایالات
می توانند موضعی فلسفی را به نسبت در آورد؟ من
تشیت به همسایه ایگاری شتابزده قلمبند با موضع
فلسفی انتقادات حذیر امتحان کردند مصروف خداوند
و شخصی صرف فتنی که لغزان را تسبیت به موجهون عمل.
پا انتیهی بسته تسبیح و اداره قطعات اشان از اتری
فلسفی هارد روشن مترکاطران بود که همسخن خود
را همراه متعاقب و پیغامبر ایشان که جهانش را
شکل می داد به شک می داشت اگر فیلم ماتریکس
هم می تواند تسلی اگر ان را در جلو را گشتنی و حیرانی
کند آیا بین منشی گوشت که باید این لیلم را به متنه
تأملی فلسفی هرنظر نگیرید؟

حقی اگر شما باید بروید که ماتریکس فلسفی
است باید باقیم که این فیلم تنش میم در رونته
دلتگاهی فلسفه تبارز شکایت دلتگاهی دلتگاهی
محور غلسمه مدرن غرب به شمار رود و تلاش های
جغرافی فلاکسه بر این بوده که مارا این شکایت
که می داشتم این تصویر چیزی جز
نمی باشد که ماتریکس کاری می کند
می داشم پیش از آن در قلم اتفاق
من بالین حق شروع می شود که
که چهل هشتاد و هشت زانی می باشد که
آن بعنوان شان می شود که دنی است
شان چیزی جز تختیل و فرآنگی
از انسان ها نیز محبت فرضیه
منجومی شود که تباش اگر
تری شنبه آن در دنیا به غلبه
دش باشند و قیمتی نداشتم
و اولد چنین اصلی تحام دهد
باشیم که نکند خود ما فر جایگاه
که فردا شدمایم گرچه زمان
بود میلادی ۲۰۰۰ میلادی است

تیغات دهدزشاید بر خلاص گفت و پایه داد. تاریخ افسنه
چیزی بیش از خانه همایی بر قلکه افلاطون باشد
بمنی تلاش مشدید برگزینی و دشکایست دکلاری، این
منظور مترابع و کس قیام فلسفی مرتعیانه ای است زیرا
با شالم قوام کوشید تا برخمن مانله شک بکارد.
لما علول و غم این گریبانش از نجاعی، همچنان چیزی
فلسفی است 
ترجمه: دالیال شاعرمایان

ذیکه که فکر کرده بقشید واقعی
گشت؟ اول معمای شبدکاری مطرح
می‌کند و قدمی از خوب باشید، چه
طوری فهمی که تفاسیتین خوب
و دنیای واقعی چیست؟ و قدمی مانع
جربهای روی دستین بالا می‌رود و دو
سرپسر پنهانی را فرامی‌گیرد و دنیا
دجله شجاع منشود و آنها لیلیش
من است در همین لحظه میزان طور
چای بدن تو را بپسایی کنند و کل
تصویر سهه من شود.

دلخشن اذله من باید شام خواهم
حسین جاتویف کیم و بیکم تا
آن چه اتفاق افتاده من معتمد
که قبول برای شاشگران هم مثل
تهدیه از من باید

یا که در میان خوش
که مثل خودش
من کنند در حالی
وهمیسته
در همین صورت
که تا جایی که
بگفته بود مادر
فیلم رسانایی با
من کنند لایهای
بعظایر والی داد
لبرود.

تویانی فیلم
انقلاب گردی، به این
در پایان شاید
واقعی ماقم حق
که مازیکس من
باید گوش زنند
مساکن مازیکس
واقعی قلم در
نمایمپورهاد
سال ۱۹۹۱

مازیکس
فیلم فلسفی
مرتجعهای
است؟ زیرا با تمام
قوامی کوشید تا
در ذهن مادانه
شک بکارد اما
علی رغم این
گرایش ارتجاعی
همچنان فیلمی
فلسفی است

نمود تجریهای بصری به وجود می‌آورد تا
بدینها نگاهشند متازل شود و قایق خلیج قادمه
به تماشی کارزار و این اندیشه را بدین مشاهیر کند
که تجربه افرادی برای اطمینان به واقعیت راهنمایی
متلبی نیست بلایین همه واقعی به پرده شناسی نگاه
می‌کنند فرض گرفتاری که تصویری که می‌بینیم
راهنماهی مایه بجهان دلستن قیلم هستند بعضی باز
هم فرض گردایم که این تصاویر، تصویر واقعی اشنا
والبرانی هستند که در دریای هستن وجود هرندز
هستلای که نه تنوجه اختلال در بحرهایش می‌شود
سوزنگان لیلم تجربه ماز آن دنیای دستگان را
هم مختلف می‌کنند و مارابا است تجربه ای عملی مواجه
می‌کنند یعنی آن احتمال هست که تجربه ای ماهم
برای واقعیت راهنمای خوبی شناسد

بالتجملون کار فیلم به مانشان می‌دهد که تصویری
هیئت‌هایی جدیدی به روی مانسی گشاید، بلکه
تصویر حلوی باز نمایی هایی است که شاید حق در
دنیای دلستان هم می‌باشد این عین نهاده باشند.
فیلم ماز اگاهی می‌سازد که خود تصویر شیوه کلمپور
برزگی است که مازیکس را شیوه‌ای کرد زیرا
تصویر هم دنیای را نشاند من دهد که وقتی تمازد
قبيل ۱۹۹۱ که تلویزیون کشتی بخت التمر پیش
میزان باید ساختار غول پیکری را دیده بود که
در آن تمام انسان هایه از رشکای وصل شده بودند.
این شبکه همان مازیکس نمی‌نموده سطح مانع
مخترعی بزرگ، و شیوه به زمان بلامی این بدن تو
در همه این مدت فرین مخترع غوطه‌پر بوده بین تو
و مایه، غلط بنشده شده، شتمعاهم شیشه به

کالمپورهای پادطبندی به روزی می‌گذرد
تسلیه مازیکس ناشی از این نیست که تمام
این که ما به تمام واقعیت تجربه می‌کنیم
لیستها همان جیزه‌ای هستند که مردم در
۱۹۹۱ بدهی در حین اکران فیلم هم تجربه
دند همه ساخته و پروازخانه کالمپورهای
شکست انسان از کامپیوتور در جنگی و پر انداز
کامپیوترهای پیروز، انسان هارا اهل انس طور
شیوه می‌گذرد که انسان های بیان ها را برای
آن دیروز من می‌دانند فرق کاری جاست
رسان برای تولید بری انجام می‌شود.
که همه مقول می‌شوند که بدن انسان بیش از
آن که مقول می‌گذرد توییزی توییزی گند
مین دلیل کالمپورهای بدن انسان ها را
هان خوش های عظیم شنیداری می‌گزند تا
دو این تجزیه اشیای اسناده کند هر چند
بر این مورد توضیح زیادی شنیده شد
که گمان بریم دلیل وجودی مازیکس
گست که باید تهن انسان هارا سرگرم کرده با
آن که دری از مردم را تولید کند، به محض تملکی
کس، تملک این باید سوال ماجامش شود که آیا
آن ریست تمام اداراکت حقیقی از بدون مبارزقی
شکل گرفته باشد؟ قیلم به چه شیوه‌ای
حال و این طرح من گذاشت ای انس کل به معنی
پویر کشیدن لاعمالی ملطفی است ای ای ای
ای شویت دلکاری به اندیشه نسخه توشتاری
که گذشت ای این فیلم چه جیزی را در بردا
ذلیل به مانشان می‌دهد؟

پالسخ به این سؤال هایا بدیده برخی از
های رومی قیامستگان دلخیز ترین افراد فیلم
س نتو (کلید و بیرون) یا تریش (کلید آنوس)
می‌شود که بدنایی می‌برید عضوستای
له است که در برای سلطه کالمپورهای
می‌گذرد همان صفتی که اول فیلم نمود
که دنیای دنیایی شش محل آرمش بو شده است
من گذبر مشکلات قاتق شود و حاضر نیست
که دنیای او غیر واقعی نمی‌نموده ای ای ای
شیوه دنیایی خود که دنیایی دنیایی بدل
پدیده و واضح می‌شود صرافا خیالی بدل
دند و قدمی تهی، قریم را که مورفوس (اورس
پریون) نامه لوده من بلند قضیه برایش فان
دند می‌فرم، که هم گویی می‌داند نیست به

کتابهای معتبر ترین کارهای فلسفی سینما شریعت
در آزادی هم در آزمون فکری فیلم
ای دکتر احمد مسیح شده تا راهنمایی
کتابخانه نهاده از کتابخانه اسلامی پذیرفتم